

وصیت نامه

دل ما ز دور رویت ز چمن فراخ دارد
که چو حسد با بیداست و چون لاله داغ داد
سنا و ظلمت و بیابان به لیا تو آن بیدار
مگر آنکه شعاع رویت آید زخم چرخ دارد و حافظ بر آید

« به نام نامی ... »

آخرین یادگارم که وصیتنامه ام میخواند با نام تو همسر زیبا و خردم آغاز میکنم. قدری که شعاع لامریت و نیلویی را در جانم
فرزبان و سعه و نگاه داشتی. کجیگاه نتوانستم باسخ خدای در تو را بدهم و شرفنده ۲۱. آنقدر وحدت مقدس است
که باید با شرفندی از تو بخوام که بعد از من تنها نامی و با انسان نیکی که پدری خوب برابر فرزندان و همی مهربان برابر اقربا
باشد از دواج کنی. نسبت به خدیو زنده همچنان مهربان و مدد رسا آنگاه باش. همانند که میدانم کجیگاه فرزندم بخواند
آنند که در روزی دشوار زندگی ام با خاطرات بیادماندی و جاودانه زنده میماند زرتیسم. و حال که حکم اربع به ...
آنچه از اربعه پدری ام که کجیگاه چو خداستی بدان ندانستم و تو هم ندانستی پس تو (زهدای بیانی) و سپردان
روزبه بتیاهی سیاسی (محل) به تساوی قیمت نمایند. با صلاحیه خردت به مادر زحمتش و زحمته ۲۱ (با ندرت و سستی)

گنگی را که ۲۱ بیانی بلق. مبلغ ۱۶۹۰ تومان (شانزده هزار و نصد ریال) و چند سکه ۵۰ ریالی که برای روزبه
نگاه داشته ام برای مانده که تعلق به تو دارد تا بتیانی به معرفتیم حریه ات (شما که وجودت لکل بریم) برسانی.
یک ماهی سحر کجولو هم برای روزبه داشته ام.
از طرف من حق سرپرستی و نگاهداری و امر و کالت سپردان روزبه را به عمده تو میسپارم، حتی شما چو از دواج کنی.
در ابع ۲۱ آخرت حیات که به گفتن سحر و بیدار خدشید و به باران میانه سیم، سعادت و غنای تو را بر ابر تو
سپردان - این بقدر عشق آستین ما - و همه مردمانا خوب جهان آرزو مند.

راستی نطقه نمائید که عمر را که با تو در باره سبباز بقیدیم بستم بودم در این لحظات آخر گفتم. باغبی در خردت مرا بچشم
که تو همیشه با گذشت و دانا مگر میمانم. ما شمر و بابا و خانم زرت و حاج آقا دای و پیم دارا میبوسم و میبوسم. همه فانی را سدا کن
که اذتاقم در اینجا تمام به یادمان گذشت. مادرم را که جز زحمت چیزی برایش ندانستم از محضم بپوش و تسلی بده. خواهان و
برادر لیم را بپوش. زن با ایم را بپوش و برایش موهی باش. دوستام را سلام برسان. افزه و تقم را با عشق بر خرد و
آئینه در سینه بپوش و سرت ترقی خواه با نبرید و از کجیگاه بیاری آن نگاهید که بدان دلشادم. تو از صمیم دل میبوسم
به همه نیکی و در ایمان از مقدس انسانی میانه سیم و به همه انسانها را ستمین درود میفرستم. با ایمان به صلح و ...

پیرزاده سید ...
به یاد همه سطر تا آخری خطم زنده ام
دوستداران: چنانچه ستمین
سید علی ...

مصححات: چنانچه بتیاهی سیاسی علم شما مناسبت ۶۷۲. شماره از تهران
۲۱ در نامه
آدرس منزل: تهران - اختیاریه - چهارراه دلخواه - درجه پست ۲۴
(راستی)